

چکیده

پژوهش حاضر مقایسه صفات شخصیتی و سبک های دلبستگی در زنان عادی و زنان متقاضی طلاق در شهر مهریز انجام شد. روش پژوهش همبستگی از نوع علی-مقایسه ای و از حیث هدف کاربردی بوده است. جامعه آماری این پژوهش را زوجین متقاضی طلاق و عادی در شهر یزد و نمونه آن را ۱۰۰ نفر که به روش نمونه گیری در دسترس جهت انجام پژوهش انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت از پرسشنامه شخصیت نئو و پرسشنامه دلبستگی هازن شیور بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر روش های آمار توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار، از روش آمار استنباطی t دو گروه مستقل استفاده شد یافته ها نشان داد صفت شخصیتی توافق پذیری در بین زوجین متقاضی طلاق و عادی متفاوت می باشد ولی دیگر صفت های شخصیتی روان نژندی، برون گرایی، باز بودن و باوجدان بودن تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین مشاهده شد سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در بین زوجین متقاضی طلاق و عادی متفاوت می باشد.

مقدمه

طلاق شایع ترین جلوه تعارض شدید است و در نهایت بالغ بر نیمی از زوج هایی که درصدد مشاوره هستند، طلاق می گیرند (ورسینگتون^۱، ۲۰۰۵؛ نقل از بهروز و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می شود و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (یوسفی، ۱۳۹۰). عوامل متعددی در بروز طلاق مؤثر است که می توان به عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، روان شناختی و عوامل تنش زای درونی و بیرونی اشاره کرد که در این بین عوامل فردی و روان شناختی از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند (پرانچر، بیگن، گایروارد، ترامبلی، بوون و همکار^۲، ۲۰۰۸). زیرا این عوامل با تمام جنبه های زندگی افراد مثل آموزش، شغل و عملکردهای بین فردی مرتبط هستند (دوروس، هانزال و سگریان^۳، ۲۰۰۳؛ نقل از بهروز و همکاران، ۱۳۹۳).

از عواملی که می تواند در طلاق تأثیرگذار می باشد می توان به بلوغ عاطفی اشاره کرد. بلوغ عاطفی جریانی است که طی آن فرد به طور مداوم برای احراز بیش از پیش سلامت عاطفی از نظر روانی و فردی میکوشد. بلوغ روانی را مقاوم بودن در برابر تأخیر در ارضای نیازها، داشتن توان تحمل کافی و همچنین توانایی به تعویق انداختن توقعهای خویش معرفی میگردد. بلوغ عاطفی به نوجوان کمک میکند تا زندگی سالم را هدایت نماید. از ملاکهای بلوغ عاطفی میتوان به کنترل عواطف و احساسات، پذیرش مسئولیت اعمال خود، رهایی از رفتار تکانشی، صبوری، انتقادپذیری و توانایی کنترل خشم اشاره کرد (شجری و حجازی، ۱۳۹۷). این افراد قبل از

1- Worthington

2- Provencher, Begin, Girouard, Tremblay & Boivin et al

3- Dorros, Hanzal & Segrina

عمل فکر می کنند و بر رفتار خود کنترل دارند. به خود متکی هستند و مسئول زندگی و اعمال خود می باشند. با دیگران در ارتباط بوده، آن ها را درک کرده و همکاری مفید و مؤثری با آن ها دارند. علاوه بر این، بلوغ عاطفی پیش بینی کننده مؤثر سطح موفقیت افراد در زندگی است (کاپری و رانی، ۲۰۱۴).

تحقیقات نشان می دهد افرادی که بلوغ عاطفی کمتری دارند از توانایی کمتری نیز برای سازگاری عاطفی و اجتماعی با محیط برخوردارند و با مشکلات بیشتری مواجه می شوند (شارما، ۲۰۱۲). نتایج به دست آمده توسط مانوهاران و داس (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان خطوط سیر رفتار ضداجتماعی و بلوغ روانی از نوجوانی تا آغاز بزرگسالی (جوانی) حاکی است که بلوغ روانی نوجوانانی که در رفتارهای ضداجتماعی پافشاری دارند کمتر است. به بیان دیگر، کمبود عناصر بلوغ روانی، خصوصا در کنترل بر انگیزش، جلوگیری از پرخاشگری و جهت گیری آینده وجود دارد (اثنی عشری و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴). به نظر می رسد افرادی که بر روی عواطف و هیجانات خود مدیریت نداشته و به فهم عواطف خود و دلایل آن ها واقف نشده اند، ترس ها و نگرانی های بیشتری را نیز تجربه می کنند. به ویژه ترس از عدم موفقیت در تعاملات اجتماعی و یا انجام عملکردهایی که از آن ها انتظار می رود. در نوع شدید خود، این ترس و نگرانی ممکن است تبدیل به پایین آمدن کیفیت زندگی زناشویی و در نهایت منجر به طلاق شود.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش بهزیستی فضیلت گرا می باشد. امروز به طور فزاینده ای به بهزیستی روانشناختی نه تنها به عنوان فقدان اختلال های روانی، بلکه به عنوان حضور منابع روانشناسی مثبت از جمله مؤلفه های بهزیستی «لذت گرا» مانند عاطفه مثبت، رضایت از زندگی و شادکامی (دینر^۴، ۱۹۸۴) و همچنین مؤلفه های بهزیستی فضیلت گرا مانند پذیرش خود، ارتباطات مثبت و هدف در زندگی (ریان و دسی^۵، ۲۰۰۸) نگریسته می شود. ریان و دسی (۲۰۰۸) نیز، خاطر نشان کرده اند که بهزیستی، پدیده ای چند بعدی است که شامل دو عنصر لذت گرا و فضیلت گرا است. نظریه های فضیلت گرا اساسا از آموزه های ارسطو در مورد مفهوم فضیلت گرای بهر بهره میگیرند که بر به فعل درآوردن تمامی قابلیتها در زندگی دلالت دارد و پژوهشهای روانشناختی نشئت گرفته از این دیدگاه، بر شناسایی عواملی که ظرفیت افراد برای محقق ساختن قابلیت هایشان را به حداکثر میرساند، متمرکز شده اند (ریان، هوتا و دسی^۶، ۲۰۰۸ به نقل از یزدانی و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸). بر اساس دیدگاه مبتنی بر بهزیستی فضیلت گرا، گزارش مردم از فزونی عواطف مثبت و رضایت، ضرورتا به معنای عملکرد خوب شخصی و اجتماعی آنها نیست (ریف و کیز^۷، ۱۹۹۵). و بهزیستی نمی تواند صرفا به معنای تجربه لذت باشد (ریان و دسی، ۲۰۰۱ به نقل از یزدانی و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸).

⁴ Diener

⁵ Ryan and Deci

⁶ Ryan, Huta, and Deci

⁷ Ryff, and Keyes

روش

پژوهش حاضر از حیث هدف یک پژوهش کاربردی و از نظر روش علی-مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان متقاضی طلاق و عادی در شهرستان مهریز می باشند. در این پژوهش جهت حجم نمونه از ۱۰۰ نفر از زنان متقاضی طلاق و عادی استفاده گردیده است. که ۶ تا از پرسشنامه ها به علت ناقص بودن حذف شدند و در نهایت ۹۶ پرسشنامه جمع آوری می شد. همچنین روش نمونه گیری به صورت در دسترس می باشد. به منظور تحلیل و استنباط داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

الف) پرسشنامه بلوغ عاطفی (EMS)

این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال است که توسط یاشویر سینگ و ماهیش بهار گاوا (۱۹۷۴) طراحی شده، پنج حیطه عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، سازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت، فقدان استقلال را اندازه گیری میکند. سؤالهای این مقیاس خواستار اطلاعات برای هریک از پنج گزینه خیلی زیاد (نمره ۱)، زیاد (نمره ۲)، نامشخص (نمره ۳)، احتمالاً (نمره ۴) و هرگز (نمره ۵) می باشد. پایایی آزمون-آزمون مجدد این مقیاس با اجرای آن بر روی دانشجویان (تعداد ۱۵۰ نفر) اندازه گیری شد که شامل دختران و پسران ۲۰ - ۲۴ ساله می شد، فاصله زمانی بین این دو اجرا شش ماه بود. همبستگی گشتاوری بین دو اجرا ۰/۷۵ بود همسانی درونی این مقیاس با محاسبه ضریب همبستگی های بین کل نمرات هریک از ۵ گروه برای عدم ثبات عاطفی ۰/۷۵، بازگشت عاطفی ۰/۶۳، ناسازگاری عاطفی ۰/۵۸، فروپای شخصیت ۰/۸۶ و فقدان استقلال ۰/۴۲ تعیین گردید. روایی این پرسشنامه در برابر معیارهای برونی یعنی پرسشنامه سازگاری حوزه "گها" برای دانشجویان کالج توسط سینهها و سینگ تعیین شده است. همچنین در این پژوهش برای تعیین پایایی از آلفای کرانباخ استفاده شد که بلوغ عاطفی (۰/۷۸) است.

ب) پرسشنامه بهزیستی فضیلت گرا واترمن و همکاران (۲۰۱۰)

این آزمون توسط واترمن و همکاران (۲۰۱۰) برای اندازه گیری بهزیستی به شیوه ای که با مفهوم آن در فلسفه سعادتگرایی (بودایمونیزم) سازگار باشد، طراحی کردند. این پرسشنامه شامل ۲۱ سؤال می باشد که از طریق طیف لیکرت هفت درجه ای اندازه گیری می شود. واترمن و همکاران (۲۰۱۰) روایی و اعتبار قابل قبولی را برای این مقیاس گزارش کرده اند. احمدی، نمازی زاده و بهزادینیا (۱۳۹۲) با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی نشان دادند که ساختار عاملی این مقیاس برآزش خوبی با داده های گردآوری شده دارد.

این پرسشنامه در کشور ایران تا به اکنون هنجاریابی نشده است. روایی صوری و محتوایی آن با نظرخواهی از متخصصان تایید شده است. سوالات آن روایی درونی دارد. این پرسشنامه متشکل از مؤلفه هایی است که در شش گروه و هم بسته با فلسفه روانشناختی قرار می گیرند که شامل خودارزیابی، توسعه ادراک شده از بهترین

پتانسیل ها، احساس وجود هدف و معنی در زندگی، تلاش های بی وقفه در رسیدن به تعالی، درگیر شدن قوی و شدید در فعالیت ها، لذت از فعالیت ها به تفسیر شخصی است.

یافته ها

جدول شماره ۱-۴ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه

گروه	فراوانی	درصد
پیگیر طلاق	۴۶	۴۸/۹
عادی	۴۸	۵۱/۱
جمع	۹۴	۱۰۰

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۴۸/۹ درصد از شرکت کنندگان در این آزمون پیگیر جدایی از همسر و ۵۱/۱ درصد عادی بودند.

جدول شماره ۲-۴ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن گروه	سن			تعداد	متقاضی طلاق
	۱۸-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱ سال به بالا		
متقاضی طلاق	۲۸	۱۰	۸	۴۶	
	۶۰/۹	۲۱/۷	۱۷/۴	۱۰۰	درصد
عادی	۳۲	۱۴	۲	۴۸	
	۶۶/۷	۲۹/۲	۴/۲	۱۰۰	درصد

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۶۰/۹ درصد از پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای سن ۱۸ الی ۳۰ سال، ۲۱/۷ درصد دارای سن ۳۱ الی ۴۰ سال و ۱۷/۴ درصد دارای سن بالای ۴۱ سال بودند. همچنین مشاهده می شود در بین گروه زوجین عادی ۶۶/۷ درصد دارای سن ۱۸ الی ۳۰ سال، ۲۹/۲ درصد دارای سن ۳۱ الی ۴۰ سال و ۴/۲ درصد دارای سن ۴۱ سال به بالا بودند.

جدول شماره ۳-۴ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	زیردیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	جمع

						گروه	
۴۶	۱	۱۴	۷	۱۶	۸	تعداد	متقاضی طلاق
۱۰۰	۲/۲	۳۰/۴	۱۵/۲	۳۴/۸	۱۷/۴	درصد	
۴۸	۵	۲۶	۶	۱۱	۰	تعداد	عادی
۱۰۰	۱۰/۴	۵۴/۲	۱۲/۵	۲۲/۹	۰	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۱۷/۴ درصد از پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۴/۸ درصد دیپلم، ۱۵/۲ درصد فوق دیپلم، ۳۰/۴ درصد لیسانس و ۲/۲ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۲۲/۹ درصد دیپلم، ۱۲/۵ درصد فوق دیپلم و ۵۴/۲ درصد دارای تحصیلات لیسانس و همچنین ۱۰/۴ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

جدول شماره ۴-۴ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات همسر

						تحصیلات همسر	
						گروه	
جمع	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیردیپلم		
۴۶	۲	۱۶	۴	۱۵	۹	تعداد	متقاضی طلاق
۱۰۰	۴/۳	۳۴/۸	۸/۷	۳۲/۶	۱۹/۶	درصد	
۴۸	۶	۱۲	۷	۱۹	۴	تعداد	عادی
۱۰۰	۱۲/۵	۲۵	۱۴/۶	۳۹/۶	۸/۳	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۱۹/۶ درصد از همسر پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۲/۶ درصد دیپلم، ۸/۷ درصد فوق دیپلم، ۳۴/۸ درصد لیسانس و ۴/۳ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۸/۳ درصد همسرشان دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۹/۶ درصد دیپلم، ۱۴/۶ درصد فوق دیپلم و ۲۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس و همچنین ۱۲/۵ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

جدول شماره ۴-۵ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل

جمع	خانه دار	کارمند	آزاد	شغل گروه	
				تعداد	متقاضی طلاق
۴۶	۳۲	۸	۶	تعداد	
۱۰۰	۶۹/۶	۱۷/۴	۱۳	درصد	
۴۸	۳۰	۱۲	۶	تعداد	عادی
۱۰۰	۶۲/۵	۲۵	۱۲/۵	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۱۳ درصد از پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای شغل آزاد، ۱۷/۴ درصد کارمند و ۶۹/۶ درصد خانه دار بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۱۲/۵ درصد دارای شغل آزاد، ۲۵ درصد کارمند و ۶۲/۵ درصد خانه دار بودند.

جدول شماره ۴-۶ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شغل همسر

جمع	بیکار	کارمند	آزاد	شغل همسر گروه	
				تعداد	متقاضی طلاق
۴۶	۷	۱۱	۲۸	تعداد	
۱۰۰	۱۵/۲	۲۳/۹	۶۰/۹	درصد	
۴۸	۰	۱۳	۳۵	تعداد	عادی
۱۰۰	۰	۲۷/۱	۷۲/۹	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۶۰/۹ درصد از همسر پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای شغل آزاد، ۲۳/۹ درصد کارمند و ۱۵/۲ درصد بیکار بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۷۲/۹ درصد همسرشان دارای شغل آزاد، ۲۷/۱ درصد کارمند بودند.

جدول شماره ۴-۷ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تعداد فرزند

جمع	۵ فرزند به بالا	۳-۴ فرزند	۱-۲ فرزند	بدون فرزند	تعداد فرزند

					گروه	
۴۶	۱	۷	۲۱	۱۷	تعداد	متقاضی طلاق
۱۰۰	۲/۲	۱۵/۲	۴۵/۷	۳۷	درصد	
۴۸	۰	۲	۲۰	۲۶	تعداد	عادی
۱۰۰	۰	۴/۲	۴۱/۷	۵۴/۲	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۳۷ درصد از پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق بدون فرزند، ۴۵/۷ درصد ۱ الی ۲ فرزند، ۱۵/۲ درصد ۳-۴ فرزند و ۲/۲ درصد ۵ فرزند به بالا بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۵۴/۲ درصد بدون فرزند، ۴۱/۷ درصد ۱ الی ۲ فرزند و ۴/۲ درصد ۳-۴ فرزند بودند.

جدول شماره ۸-۴ مربوط به توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مدت ازدواج

					مدت ازدواج	
جمع	۱۱ سال به بالا	۱۰-۶ سال	۵-۱ سال	زیر یکسال	گروه	
					۴۶	۱۶
۱۰۰	۳۴/۸	۲۶/۱	۳۲/۶	۶/۵	درصد	
۴۸	۱۴	۷	۱۷	۱۰	تعداد	عادی
۱۰۰	۲۹/۲	۱۴/۶	۳۵/۴	۲۰/۸	درصد	

اطلاعات این جدول نشان می دهد ۶/۵ درصد از پاسخگویان در گروه زوجین متقاضی طلاق دارای مدت ازدواج زیر یکسال، ۳۲/۶ درصد ۱ الی ۵ سال، ۲۶/۱ درصد ۶ الی ۱۰ سال و ۳۴/۸ درصد ۱۱ سال به بالا بودند. همچنین مشاهده می شود در بین زوجین عادی ۲۰/۸ دارای مدت ازدواج زیر یکسال، ۳۵/۴ درصد ۱ الی ۵ سال، ۱۴/۶ درصد ۶ الی ۱۰ سال و ۲۹/۲ درصد ۱۱ سال به بالا بودند.

جدول شماره ۹-۴ شاخص های پراکندگی متغیر بلوغ عاطفی در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و عادی

گروه	مؤلفه ها	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
متقاضی طلاق	ثبات عاطفی	۳۳/۳۹	۱/۱۳	۷/۶۸	۵۹/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۷۷
	بازگشت عاطفی	۳۵/۶۹	۱/۲۹	۸/۷۹	۷۷/۴۱	-۰/۱۰	-۱/۳۰
	ناسازگاری عاطفی	۳۵/۳۹	۰/۹۵	۶/۴۸	۴۲/۱۱	-۰/۵۰	-۰/۸۵
	فروپاشی شخصیت	۳۸/۰۶	۱/۲۶	۸/۵۹	۷۳/۹۲	-۰/۳۹	-۱/۲۰
	فقدان استقلال	۲۷/۴۳	۰/۸۱	۵/۵۶	۳۰/۹۱	۰/۲۱	-۰/۴۷
	کل آزمون	۱۶۹/۹۷	۴/۹۲	۳۳/۳۹	۱۱۱۵/۳۱	-۰/۳۴	-۱/۲۴
عادی	ثبات عاطفی	۳۵/۶۶	۰/۹۰	۶/۲۶	۳۹/۲۰	-۰/۰۷	-۰/۲۲
	بازگشت عاطفی	۴۰/۶۴	۰/۸۵	۵/۹۴	۳۵/۲۹	-۰/۹۲	۱/۶۶
	ناسازگاری عاطفی	۳۹/۵۴	۰/۵۶	۳/۹۴	۱۵/۵۳	-۰/۴۸	۰/۸۹
	فروپاشی شخصیت	۴۳	۰/۷۹	۵/۵۰	۳۰/۲۹	-۰/۹۹	۰/۳۷
	فقدان استقلال	۳۱/۶۰	۰/۴۸	۳/۳۵	۱۱/۲۶	-۰/۵۳	۰/۴۵
	کل آزمون	۱۹۰/۴۵	۲/۸۶	۱۹/۸۷	۳۹۵/۰۲	-۰/۴۵	-۰/۱۴

با توجه به جدول ۹-۴ میانگین و انحراف معیار ثبات عاطفی در بین زوجین متقاضی طلاق $۳۳/۳۹ \pm ۷/۶۸$ ؛ بازگشت عاطفی $۳۵/۸ \pm ۶۹/۷۹$ ؛ ناسازگاری عاطفی $۳۵/۶ \pm ۳۹/۴۸$ ؛ فروپاشی شخصیت $۳۸/۰۶ \pm ۸/۵۹$ ، فقدان استقلال $۲۷/۴۳ \pm ۵/۵۶$ و در کل آزمون برابر با $۱۶۹/۹۷ \pm ۳۳/۳۹$ می باشد همچنین میانگین و انحراف معیار ثبات عاطفی در بین زوجین عادی $۳۵/۶۶ \pm ۶/۲۶$ ؛ بازگشت عاطفی $۴۰/۶۴ \pm ۰/۸۵$ ؛ ناسازگاری عاطفی $۳۹/۵۴ \pm ۰/۵۶$ ؛ فروپاشی شخصیت $۴۳ \pm ۰/۷۹$ ؛ فقدان استقلال $۳۱/۶۰ \pm ۳/۳۵$ و در کل آزمون برابر با $۱۹۰/۴۵ \pm ۱۹/۸۷$ می باشد. با توجه به مقدار کجی و کشیدگی در بین مؤلفه ها که در بازه (۲ و -۲) قرار دارد مشخص می شود داده ها از توزیع نرمالی برخوردارند.

جدول شماره ۱۰-۴ شاخص های پراکندگی متغیر بهزیستی فضیلت گرا در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و عادی

گروه	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
------	---------	----------------	--------------	---------	-----	--------

متقاضی طلاق	۷۵/۶۹	۰/۹۳	۶/۳۱	۳۹/۹۰	۰/۲۰	-۰/۶۴
عادی	۷۵/۸۳	۱/۱۱	۷/۷۴	۵۹/۹۲	۰/۵۳	۰/۲۹

با توجه به جدول ۱۰-۴ میانگین و انحراف معیار بهزیستی فضیلت گرا در بین زوجین متقاضی طلاق برابر با $۶/۳۱ \pm ۷۵/۶۹$ و در بین زوجین عادی برابر با $۷/۷۴ \pm ۷۵/۸۳$ می باشد. با توجه به مقدار کجی و کشیدگی در بین مؤلفه ها که در بازه (۲ و -۲) قرار دارد مشخص می شود داده ها از توزیع نرمالی برخوردارند.

تحلیل استنباطی

فرضیه اول: بلوغ عاطفی در زنان طلاق و عادی متفاوت می باشد.

جدول شماره ۱۱-۴ محاسبه آزمون t دوگروه مستقل برای ارزیابی میزان تفاوت بلوغ عاطفی در زوجین متقاضی طلاق و عادی

متغیر		میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
بلوغ عاطفی	متقاضی طلاق	۱۶۹/۹۷	۳۳/۳۹	۳/۶۳	۹۲	۰/۰۰۱
	عادی	۱۹۰/۴۵	۱۹/۸۷			

با توجه به جدول فوق مشاهده می گردد مقدار t برابر با ۳/۶۳ می باشد که در سطح ۰/۰۰۱ سطح معنادار می باشد. بنابراین می توان گفت بلوغ عاطفی در بین زنان متقاضی طلاق پایین تر از زنان عادی می باشد و فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد.

فرضیه دوم: بهزیستی فضیلت گرا در زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت می باشد.

جدول شماره ۱۲-۴ محاسبه آزمون t دوگروه مستقل برای ارزیابی میزان تفاوت صفت شخصیتی روان رنجوری در زوجین متقاضی طلاق و عادی

متغیر		میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
شخصیت روان رنجوری	متقاضی طلاق	۷۵/۶۹	۶/۳۱	۰/۰۹	۹۲	۰/۹۵
	عادی					

			۷/۷۴	۷۵/۸۳	عادی	
--	--	--	------	-------	------	--

با توجه به جدول فوق مشاهده می گردد مقدار t برابر با $۰/۰۹$ می باشد که در سطح $۰/۹۵$ سطح معنادار نیست. بنابراین می توان گفت بهزیستی فضیلت گرا در بین زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت نمی باشد و فرضیه دوم پژوهش تأیید نمی گردد

بحث و نتیجه گیری

نتایج یافته اول نشان داد بلوغ عاطفی در بین زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت می باشد، یافته های این پژوهش با یافته های خارجی اسکورن (۲۰۱۸)، کومار (۲۰۱۴) و گلارد (۲۰۱۴) و یافته های داخلی ابراهیمی و حیدری (۱۳۹۹) و حاجی شیخی و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد. در تبیین این فرضیه می توان گفت افرادی که از لحاظ عاطفی بالغ هستند، کنترل عواطف خود را بر عهده دارند. احساسات موجب تحریک آن ها نمی شود و عواطف خود را در زمان مناسب و به شکل مناسب ابراز می کنند. بنابراین توانایی ابراز عواطف به شکل صحیح از ویژگی های بلوغ عاطفی می باشد. در حالی که یکی از دلایل عمده طلاق، عدم تأمین نیاز عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت است و منجر به سرد شدن رابطه زن و مرد و گسست عاطفی می شود. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی زن و علاقه به طرفه مرد به همسرش از ابتدایی زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت می شود. زنان باید فراگیرند که هیچ پدیده اجتماعی (از جمله ازدواج و زندگی زناشویی) فاقد جنبه های منفی و مخاطره آمیز نیست، به طور خلاصه هنگامی که انتظارات زوجین از یکدیگر منطقی و متعارف است، آنها در وضعیت بهتری برای برقراری یک رابطه خوب قرار دارند و بهتر می توانند انتظارات خود و همسرشان را برآورده نمایند. همچنین هنگامی که شخصیت یکی از زوجین یا هر دوی آنها نابالغ باشد، بسیار سخت است که یکدیگر را درک کنند. در این وضعیت هر کدام از آنها با خودخواهی و خودمحوری تمایلی به درک نیازهای طرف مقابل نخواهد داشت و تنها به نیازهای خود توجه می نمایند، مسلم است که در چنین شرایطی میزان رضایت مندی زوجین از یکدیگر بسیار کم شده و متعاقب آن اتفاقات تلخی مانند جدایی و طلاق ممکن است روی دهد.

نتایج فرضیه دوم نشان داد بهزیستی فضیلت گرا در بین زنان متقاضی طلاق و عادی متفاوت نمی باشد و فرضیه مورد نظر پژوهش تأیید نگردید. یافته های این پژوهش با یافته کریم زاده قراملکی (۱۳۹۱) نا همسو می باشد. ایشان در پژوهش خود دریافتند بین بهزیستی فضیلت گرا و تاب آوری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. بدین معنا که افرادی که از بهزیستی فضیلت گرای بالاتری برخوردار باشند می توانند با تحمل مشکلات سازگاری بیشتری با زندگی زناشویی داشته باشند. در تبیین رد این فرضیه می توان به این موضوع اشاره کرده که زنان مورد مطالعه در پژوهش ما متقاضی طلاق بوده اند ولی طلاق گرفته نشده است این می تواند در عدم تأیید رابطه با بهزیستی فضیلت گرا تأثیر گذار باشد. زنان متقاضی طلاق دارای بهزیستی فضیلت گرا اگر چه

تفاوتی با زنان عادی را نشان ندادند اما به طور مشخص می توان نتیجه گرفت که افراد دارای بهزیستی فضیلت گرا نسبت مسئله طلاق حساسیت بیشتری به خرج داده و در زمینه تحمل مشکلات زناشویی سازگارانه تر بوده و به طور منعطف تر برخورد می کنند چرا که بهزیستی فضیلت گرا تاب آوری این زنان را بالا برده و در پژوهش های گفته شده رابطه مثبت و معنادار این دو متغیر مورد تایید قرار گرفته است

منابع

بهرروز، بهروز؛ محمدی، فرحناز؛ علی آبادی، شهرام؛ کجباف، محمدباقر؛ حیدری زاده، نسرین؛ بهروز، بهزاد (۱۳۹۳) مقایسه ویژگی های شخصیتی و سبک های اسنادی در زو جهای عادی و متقاضی طلاق، دانش و پژوهش در روا شناسی کاربردی، ۱۵(۱): ۶۱-۵۲

گلاور، جان (۱۹۹۰). تفکر کودکان، روان شناسی رشد شناختی. ترجمه خرازی (۱۳۷۷)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی

یزدانی، فرزانه؛ شیخ الاسلامی راضیه (۱۳۹۸). رابطه بین کمال گرایی و بهزیستی فضیلت گرا: نقش واسط های خودشفقت ورزی، مجله روانشناسی، ۲۳ (۳)

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بیون بر طرحواره های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق شهر ساقز، اصول بهداشت روان، ۱۳(۴): ۳۵۶-۷۳.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2008a). A selfdetermination theory approach to psychotherapy: The motivational basis for effective change. *Canadian Psychology*, 49, 186–193.

Kapri, U. C., & Rani, N. (2014). Emotional Maturity: Characteristics and Levels. *International Journal of Technological Exploration and Leasrning*, 3(1), 359-361.